

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد سعادت مند

۰۱ نومبر ۲۰۲۱

درهائیتی چه می‌گذرد؟



در پی ترور ژوئل موئیس، رئیس‌جمهور هائیتی در هفتم جولای ۲۰۲۱، پرسش‌های فراوانی در رابطه با تروریست‌ها و یا دولت‌هایی که در پشت این ترور قرار دارند مطرح شده است. دستگیری ۲۶ نظامی سابق کلمبیایی و ۲ تبعه آمریکا در این رابطه و گفته‌های همسر موئیس، احتمال دست داشتن دولت آمریکا در این ترور را تقویت می‌کند. به‌خصوص که بر اساس اعلام وزارت دفاع آمریکا، چند تن از متهمان پرونده ترور، چند سال پیش یک برنامه آموزشی در پایگاه ارتش آمریکا در جورجیا را گذرانده‌اند. در این نوشته ضمن مروری کوتاه بر تاریخ تحولات جاری این کشور در قرن بیست‌ویکم به ترور رئیس‌جمهور آن نیز پرداخته می‌شود.

گذری بر تاریخ و جغرافیای هائیتی

هائیتی (۲۰۰۰-۱۴۹۲)

هائیتی در جزیره اسپانیولا (هسپانیولا به زبان اسپانیولی) در بحیره کارائیب واقع شده است. سه هشتم مساحت این جزیره سرزمین جمهوری هائیتی به شمار می‌رود و بقیه آن به جمهوری دومینیکن تعلق دارد. این کشور در جنوب شرقی کوبا واقع شده و مساحت آن ۲۷۷۵۰ کیلومترمربع است و با جمعیتی بیش از ۱۱ میلیون و ۴۳۰ هزار نفر، پرجمعیت‌ترین کشور منطقه کارائیب به شمار می‌رود و پایتخت آن شهر پورتو پرنس است.

کریستوف کلمب در سال ۱۴۹۲ در اولین سفر خود به قاره آمریکا به این جزیره پا گذاشت و آن را به امپراتوری اسپانیا ملحق کرد. بخش غربی این جزیره به نام سنت دومینگو در سال ۱۶۹۷ به تسلط استعمارگران فرانسوی درآمد و هائیتی نام گرفت. معروف است زمانی که کریستوف کلمب به جزیره اسپانیولا رسید، در یادداشت‌های روزانه‌اش نوشت «بهشت موعود در انجیل همین‌جاست.» جمعیت بومی این جزیره که ۳ تا ۴ میلیون نفر بود توسط استعمارگران اروپایی قلع و قمع شدند و با نابود کردن جنگل‌ها، این سرزمین را به مزارع نیشکر تبدیل کردند. صدها هزار افریقایی شکار شدند و در مزارع نیشکر به کار بردگی وادار شدند. برآوردها نشان می‌دهد که ۷۹۰ هزار برده برای کار در مزارع نیشکر به این جزیره انتقال یافته‌اند. در دهه ۱۷۸۰ هائیتی یکی از سه مرکز بزرگ تجارت برده در اقیانوس اطلس بود و مزارع نیشکر آن به منبع درآمدهای میلیاردی برای استعمارگران اروپایی و بعدها امریکایی تبدیل شد. هائیتی ثروتمندترین مستعمره فرانسه بود.

در سال ۱۷۹۱ بردگان افریقایی با الهام از انقلاب فرانسه، دست به قیامی زدند که به انقلاب هائیتی معروف شد. انقلاب پیروزمند مردم هائیتی در سال ۱۸۰۴ موجب رهایی این کشور از استعمار و لغو همیشگی برده‌داری در این کشور شد. این کشور اولین جمهوری غیرسفیدپوست در جهان بود که امید رهایی را در دل تمام بردگان منطقه بارور کرد. دولت مستقل هائیتی از افریقایی‌تبارها و بومیانی که از درد و رنج بردگی می‌گریختند دعوت کرد به آن کشور پناه بیاورند و به همه مبارزان راه آزادی، از جمله سیمون بولیوار، نیز اعلام کرد، به شرط لغو برده‌داری پس از پیروزی، می‌توانند از کمک‌های تدارکاتی هائیتی بهره‌مند شوند. پیروزی انقلاب هائیتی تهدید بزرگی برای سیستم برده‌داری در ایالات متحده و قاره آمریکا بود. برتری‌طلبان سفیدپوست تلاش کردند این کشور مستقل نوپا را در نطفه خفه کنند. فرانسه نیز به اقدامات مشابهی دست زد و هائیتی را مجبور به پرداخت غرامتی سنگین به برده‌داران فرانسوی کرد. این «بدهی» تا سال ۱۹۴۰ تسویه نشده بود و زمانی که بانک‌های آمریکا بر اقتصاد هائیتی مسلط شدند، تسویه این بدهی تحمیلی را به عهده گرفتند. هائیتی در مجموع ۲۱.۷ میلیارد دالر خسارت به برده‌داران فرانسوی پرداخت کرد که بزرگترین دزدی و اخاذی تاریخ است



هائیتی در اواخر قرن نوزدهم شاهد توسعه صنعت شکر و تولید مشروب الکحلی رام بود. اما از سال ۱۹۱۱ در این کشور آشوب‌های گوناگونی رخ داد که کشور را به سمت بی‌ثباتی و بدهی سوق داد. بین سال‌های ۱۹۱۱ تا ۱۹۱۵، شش رئیس‌جمهور بر سرکار آمدند که همگی یا کشته و یا به تبعید فرستاده شدند.

امریکا از تسلط المانی‌ها بر اقتصاد هائیتی نگران بود. در دهه اول قرن بیستم ۸۰ درصد تجارت خارجی هائیتی، به‌اضافه خدمات عمومی در پایتخت و اداره بندر اصلی آن کشور و بخشی از حمل‌ونقل ریلی در اختیار المانی‌ها بود. به

منظور محدود کردن نفوذ المان در هائیتی، امریکا در سال ۱۹۱۰-۱۱ با حمایت از کنسرسیوم سرمایه‌گذاران امریکائی که توسط نشنال‌سیتی بانک نیویورک ایجاد شده بود توانست کنترل بانک ملی هائیتی را به دست آورد. با روی کار آوردن یک رئیس‌جمهور دست‌نشانده در هائیتی در سال ۱۹۱۵، این کشور با امضای قراردادی، تحت‌الحمایه امریکا قرار گرفت و در عمل به مستعمره امریکا بدل شد.

مخالفت برتری‌طلبان سفیدپوست با خواست بحق مردم مستعمرات برای استقلال و آزادی ملی، اعمال دکتترین مونرو که کارائیب و امریکای لاتین را حیاط خلوت امریکا می‌داند و برتر شمردن منافع انحصارات امپریالیستی و طبقات حاکم و نادیده گرفتن اکثریت مردم، اصول بنیادی و همیشگی سیاست خارجی امریکا در هائیتی، نیمکره غربی و سایر مناطق جهان بوده است. در سال ۱۹۱۵ و دوران ریاست جمهوری وودرو ویلسون و در پی شکایت بانک‌های امریکائی از بدهی بالای هائیتی، امریکا دست به اشغال نظامی این کشور زد. طی ۱۹ سال اشغال نظامی، حاکمیت ملی این کشور نابود شد، و در عین حال موجب شکل گرفتن مبارزاتی علیه نیروهای اشغالگر امریکائی شد.

امریکائی‌ها برای اعمال قدرت خود در این کشور نیروی ژاندرمری هائیتی را سازمان دادند. در سال ۱۹۱۷ قانون‌اساسی جدیدی برای این کشور نوشته شد که متن آن توسط وزارت خارجه امریکا و نیروی بحری امریکا دیکته شده بود. در قانون‌اساسی جدید، ممنوعیت مالکیت اتباع خارجی بر زمین حذف شده بود. مجلس قانون‌گذاری که به همین دلیل از تصویب آن سر باز زد بود، با استفاده از نیروی ژاندارمری منحل گردید. اما همین قانون‌اساسی در یک همه‌پرسی فرمایشی در سال ۱۹۱۹ به تصویب رسید. در این همه‌پرسی کمتر از ۵ درصد جمعیت هائیتی شرکت کردند.

در سال ۱۹۳۰ استینو وینسنت، یکی از مخالفان سرسخت اشغال هائیتی، به ریاست جمهوری انتخاب شد و امریکا نیز شروع به خروج نیروهای خود کرد. خروج نیروهای امریکائی در سال ۱۹۳۴ به پایان رسید، اما ارتش بدنام هائیتی جای آن را گرفت و با سرکوب شدید مخالفان، نگهبانی از منافع انحصارات امپریالیستی و طبقه حاکم را به دوش گرفت. به‌علاوه امریکا همچنان بازرگانی خارجی هائیتی را در اختیار داشت. استینو وینسنت که در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۴۱ قصد نامزد شدن برای بار سوم را داشت با مخالفت امریکا روبه‌رو شد و در نهایت الی‌لسکو که روابط نزدیکی با امریکائی‌ها داشت به ریاست جمهوری رسید.

در سال ۱۹۴۶ در پی تحولی مهم در تاریخ هائیتی یک خونتای نظامی قدرت را به‌دست گرفت و قول برگزاری انتخابات آزاد را داد و به قول خود نیز عمل کرد. در انتخاباتی که در آن رهبر حزب کمونیست هائیتی نیز نامزد شده بود، معلمی بازنشسته که در میان نامزدها از همه میانه‌روتر بود انتخاب شد. او که در پی بهبود شرایط اقتصادی، آموزشی و توسعه رفاه عمومی بود، در سال ۱۹۵۰ با کودتائی توسط نظامیان کنار گذاشته شد و یک نظامی ضدکمونیست مورد حمایت امریکا به نام پُل مگلوار به ریاست جمهوری گمارده شد. او پس از سال‌های ۱۹۵۶ و ۱۹۵۷ که کشور با اعتراضات مردمی و تشنج‌های سیاسی روبه‌رو بود مجبور به استعفا و ترک کشور گردید.

پس از چهار دوره ریاست جمهوری بسیار کوتاه مدت، در سال ۱۹۵۷ دکتر فرانچس دوالیه رئیس‌جمهور شد. او که ظاهراً به خاطر مبارزه با همه‌گیری یک بیماری عفونی استوائی، به پایا دوک (Papa Doc) معروف بود، تا سال ۱۹۷۱ قدرت را در دست داشت و یک دیکتاتوری تمام عیار و خشونت‌بار را بر کشور حاکم کرد. او با استفاده از نیروی شبه نظامی ویژه، علیه مردم و مخالفان سیاسی خود دست به خشونت می‌زد. فرانچس دوالیه به‌علت گرایش ضد کمونیستی مورد حمایت کامل امریکا بود. اما همو که در سال ۱۹۶۴ خود را رئیس‌جمهور مادام‌العمر خوانده بود، با اعتراضات گسترده اجتماعی روبه‌رو گردید. پس از مرگ فرانچس دوالیه در سال ۱۹۷۱، پسر او، ژان‌کلود دوالیه

معروف به «بی‌بی دوک» (Baby Doc) با حمایت امریکا جانشین پدر شد. تخمین زده می‌شود که در دوران حاکمیت پدر و پسر بین ۴۰ تا ۶۰ هزار نفر از مخالفان به قتل رسیده باشند. در همین دوران هائیتی با فرار گسترده مغزها روبه رو شد که هنوز هم از پیامدهای آن رنج می‌برد. در پی شروع اعتراضات گسترده علیه ژان کلود دوآلیه در سال ۱۹۸۵، و ادامه آن، وی در سال ۱۹۸۶ کشور را ترک کرد و در فرانسه اقامت گزید.

بعد از سال ۱۹۸۶ چندین کودتا در این کشور رخ داد تا این که در سال ۱۹۹۰ کشیش برتران آریستید، که دارای باورهای مذهبی رهائی‌بخش بود، برنده انتخابات ریاست جمهوری شد. اصلاحات اساسی مورد نظر آریستید نگرانی اقلیت بالائی جامعه را در پی داشت که به دنبال آن در سال بعد توسط نظامیان سرنگون شد. در سال ۱۹۹۴ پس از کنار رفتن حکومت نظامیان در اثر فشارهای بین‌المللی، آریستید به کشور بازگشت و بقیه دوران ریاست جمهوری خود را تا سال ۱۹۹۶ ادامه داد.

بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱، رئیس‌جمهور جدید، رنه پروال سیاست‌های اقتصادی نولیبرالی در پیش گرفت. سیاست‌های «تعدیل ساختاری» و خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی با مخالفت نمایندگان احزاب اپوزیسیون در مجلس و بخصوص حزب لاوالاس* به رهبری آریستید مواجه شد.

هائیتی (۲۰۲۱-۲۰۰۱)

از سال ۲۰۰۱، برتران آریستید با پیروزی مجدد در انتخابات وارد کاخ ریاست جمهوری شد، اما فشارهای گسترده خارجی و اتهامات فساد و پولشویی از سوی امریکا و کانادا بر او باریدن گرفت. آریستید در سال ۲۰۰۴ با کودتای دیگری برکنار شد. نیروهای امریکائی حامی کودتا او را ربودند و با یک هواپیمای نظامی امریکائی به جمهوری آفریقای مرکزی منتقل کردند. علاوه بر خود آریستید، بسیاری از سازمان‌های سیاسی و نویسندگان و فعالان اجتماعی، امریکا را سازمانده اصلی و حامی این کودتا می‌دانند.

ژان برتران آریستید رئیس‌جمهور اسبق هائیتی که در سال ۲۰۰۴ با کودتای نظامی برکنار و به جمهوری آفریقای مرکزی تبعید شد در سال ۲۰۱۱ به کشور بازگشت.

آریستید در مصاحبه‌ای در سال ۲۰۰۶ گفت: «من با امریکائی‌ها در مورد خصوصی‌سازی شرکت‌ها به توافق رسیده بودم به این امید که بخشی از سود شرکت‌ها به مردم هائیتی برگردد، اما امریکائی‌ها به قول‌شان وفادار نماندند. به‌علاوه، برای بی‌اعتبار کردن من نیز دست به یک کارزار تبلیغاتی دروغین زدند.»

پژوهش دانشکده حقوق دانشگاه میامی در سال ۲۰۰۴، نشان‌دهنده نقض شدید حقوق بشر و اعدام‌های بدون محاکمه در هائیتی بود. مردم هائیتی معتقدند، اگر کودتای ۲۰۰۴ رخ نمی‌داد، حزب لاوالاس فرصت دست یافتن به اهداف خود را می‌داشت. ساخت مدارس بیشتر، بهبود و گسترش خدمات بهداشتی و درمانی، ساخت خانه‌های ارزان قیمت و گسترش حقوق زنان از جمله اقدامات قابل توجه در دوران ریاست جمهوری آریستید بود. این موفقیت‌ها درحالی به دست آمد که هائیتی درآمد پائینی داشت و امریکا نیز اختصاص وام و کمک‌های مالی خود به این کشور را قطع کرده بود.

در سال ۲۰۰۴ پس از کودتا و به‌دنبال درخواست سرپرست ریاست جمهوری هائیتی و بر اساس مصوبه شورای امنیت ملل متحد، یک‌هزار تن‌گذار بحری امریکا در قالب نیروهای حافظ صلح ملل متحد وارد هائیتی شدند و یک روز بعد نیروهای فرانسوی و کانادائی به آنها پیوستند. حضور این نیروها که به‌تدریج به ۷ هزار نفر افزایش یافتند تا سال ۲۰۱۷ ادامه داشت. در سال ۲۰۱۰، در دوران ریاست جمهوری رنه پروال، یک زمین‌لرزه ۷ ریشتری تلفات عظیمی در این

کشور به بار آورد و موجب مرگ ۳۰۰ هزار نفر شد. بسیاری از جان‌بدربرندگان از زلزله نیز در اثر سوءتغذیه و بیماری‌های عفونی جان باختند.

دوران ریاست جمهوری میشل مارتلی بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶، که با شعار «درب‌های هائیتی برای کسب و کار باز است» شروع شده بود، نیز با اعتراضات مردمی همراه بود. او که یک موزیسین بود در انتخابات سال ۲۰۱۰ از حمایت بیل کلینتن، فرستاده ویژه ملل متحد به هائیتی، و هیلری کلینتن وزیر خارجه وقت آمریکا برخوردار بود. هیلری کلینتن که در جریان بهار عربی در خاورمیانه به سر می‌برد، سفر خود را نیمه‌تمام گذاشت تا شخصاً در تلاش‌های آمریکا برای پیروزی میشل مارتلی شرکت داشته باشد. با حمایت آمریکا و تقلب در انتخابات مارتلی برنده انتخابات اعلام شد.

در انتخابات سال ۲۰۱۶، با این که ژوئل موئیس نامزد حزب «پی‌اچ‌تی‌کی ** PHTK» با تقلب به پیروزی رسیده بود، اما دولت ترمپ انتخاب او را به رسمیت شناخت و تمام قد از آن حمایت می‌کرد. دولت بایدن نیز به حمایت‌های سیاسی و مالی از رژیم ژوئل موئیس ادامه داد. موئیس که در فبروری ۲۰۱۷ با شعار «کاروان تغییر» وارد کاخ ریاست جمهوری شده بود، اعلام کرد، هدف او احیای صنایع و زیرساخت‌ها در مناطق کمتر توسعه یافته است، اما تأثیر واقعی این ادعا بر اقتصاد هائیتی نامعلوم است. اخیراً موئیس نیز همانند سلف خود، مارتلی، متهم به اختلاس از بودجه دولتی شده است.

شایان ذکر است که حاکمیت استبدادی حزب پی‌اچ‌تی‌کی در هائیتی چه در دوره میشل مارتلی و چه در دوره ژوئل موئیس از حمایت تمام عیار آمریکا برخوردار بوده است.

حزب لاوالاس در بیانیه‌ای که در مارچ ۲۰۲۱ منتشر کرد، آورده است: «حاکمیت حزب پی‌اچ‌تی‌کی با حمایت آمریکا و با بودجه‌ای ۱۴ برابر بودجه دوران آریستید، نتیجه‌ای جز گسترش فقر و بینوایی بیشتر برای مردم به بار نیاورده است. دو برابر شدن میزان سوءتغذیه کودکان، کشتار مردم و نقض حقوق بشر، همگی از نتایج حمایت آمریکا از حاکمیت استبدادی حزب پی‌اچ‌تی‌کی است. حالا دیگر این حقیقت آشکار شده است که اگر کودتا و آدم‌ربایی در سال ۲۰۰۴ رخ نمی‌داد، ما امروز شاهد دولتی آدم‌ربا و جامعه‌ای غرق در رنج و بینوایی نبودیم و یا معرض کشتار، سرکوب، آدم‌ربایی، گرسنگی و بیکاری قرار نداشتیم. جنایتکاران همچنان زمین‌ها را از دست دهقانان می‌ربایند. اگر ما نمی‌توانیم به مدرسه برویم، اگر تغذیه خوب نداریم، اگر از مسکن مناسب برخوردار نیستیم، اگر آب آشامیدنی نداریم، اگر امنیت نداریم و اگر آنها همچنان به آدم‌ربایی ادامه می‌دهند، همه از پی‌آمدهای کودتای سال ۲۰۰۴ است.»

ترور ژوئل موئیس در هفتم جولای ۲۰۲۱ در سیاست آمریکا و حمایت از حاکمیت استبدادی حزب پی‌اچ‌تی‌کی، تغییری ایجاد نمی‌کند. تنها مخالفت جدی از سوی افکار عمومی و مخالفت اعضای کنگره علیه سیاست‌های آمریکا در هائیتی می‌تواند مانع ادامه حمایت از رژیم استبدادی این کشور و نیروهای سرکوبگر آن شود. رسانه‌های آمریکایی برای رد گم کردن، تلاش می‌کنند سیاست‌های آمریکا در هائیتی را پشت اخبار مربوط به این که ترور را چه کسانی انجام داده‌اند مخفی کنند. دو تبعه آمریکا و ۲۶ نظامی سابق کلمبیایی، که هفت تن از آنان چندین سال پیش در آمریکا آموزش دیده‌اند، به اضافه شماری از اتباع هائیتی که اتفاقاً روابط نزدیکی هم با آمریکا داشته‌اند به اتهام این ترور بازداشت شده‌اند. بنا به گفته رئیس مجمع ملی ونزوئلا، «سی تی یو»، شرکت امنیتی مستقر در آمریکا، با استخدام مزدوران کلمبیایی در ترور رئیس جمهور هائیتی دست داشته است. همین شرکت بود که در طرح ترور رئیس جمهور ونزوئلا در سال ۲۰۱۸ نیز دخیل بود و مزدوران آن پس از ورود به ونزوئلا بازداشت شدند. تاکنون هیچ توضیحی نیز در این باره داده نشده که چرا هیچ یک از محافظان رئیس جمهور در شب حمله زخمی نشده‌اند.

پس از ترور رئیس جمهور هائیتی که به سلطان موز معروف بود؛ کلود ژوزف کفیل نخست وزیری، سرپرستی ریاست جمهوری را نیز در اختیار گرفت که موجب بروز اختلاف درون حاکمیتی شد. مؤنيس دو روز قبل از ترورش، آرل هنری را به عنوان نخست وزیر معرفی کرده بود. پس از استعفای کلود ژوزف، آرل هنری در ۲۰ جولای سوگند نخست وزیری یاد کرد و در عین حال تا برگزاری انتخابات بعدی سرپرستی ریاست جمهوری را نیز در اختیار خواهد داشت. او روابط بسیار نزدیکی با مؤنيس داشته و اکنون نیز در جنگ قدرتی که در جریان است مورد پشتیبانی یک گروه با نفوذ وابسته به امریکاست. مونیك کلسکا، روزنامه نگار اهل هائیتی می‌گوید «هنری آرل به حزبی تعلق دارد که در ده سال گذشته با حمایت‌های امریکا حکومتی استبدادی در هائیتی مستقر کرده است. هیچ چیزی در هائیتی تغییر نکرده، مگر نام نخست‌وزیر.»

مارتین مؤنيس همسر ژوئل مؤنيس معتقد است «همسرم را به خاطر طرح‌هایی که در نظر داشت اجراء کند کشتند، او طرح‌هایی برای جاده سازی، بهبود خدمات عمومی نظیر آب و برق و برگزاری همه‌پرسی داشت.» حاکمیت استبدادی حزب پی‌اچ‌تی‌کی درواقع نتیجه همکاری تنگاتنگ دولت امریکا با طبقات بالائی هائیتی و به ضد منافع اکثریت مردم فقیر این کشور است. در این دوران دزدی و فساد، تصاحب زمین‌های کشاورزان و جابه‌جایی آنان و غارت منابع غنی زیرزمینی مثل طلا، نفت، بوکسیت و غیره توسط الیگارشی داخلی و انحصارات خارجی برکشور حاکم بوده‌است. از سوی دیگر، مطالبات اکثریت فقیر جامعه نادیده گرفته شده و با تشدید سرکوب جنبش مردمی لاوالاس، کشتار وحشتناک در محلات فقیرنشین و ترور فعالان حقوق بشر تلاش می‌شود تا اعتراضات مردمی مهار گردند.

ژوئل مؤنيس نشان داده بود که قادر به مهار کردن جنبش‌های مردمی نیست. در دوران ریاست جمهوری او صدها هزار نفر از مردم این کشور بارها و بارها در اعتراض به حاکمیت و طرح مطالبات خود به تظاهرات خیابانی دست زدند که با گلوله و گاز اشک‌آور، دستگیری و شکنجه و تجاوز پویس روبه رو شدند. پولیس هائیتی در دوران ترمپ هرساله میلیون‌ها دالر کمک از امریکا دریافت می‌کرد و در دوران بایدن نیز، با وجود کشتار مخالفان و نقض آشکار حقوق بشر، همچنان از کمک‌های مالی امریکا برخوردار است. با تمام این کمک‌ها، مؤنيس قادر نبود «نظم و قانون» مورد نظر امریکا را در کشور برقرار کند. هر روزه اعتراضات گسترده‌ای جریان داشت و در عین حال باندهای شبه نظامی مثل جوخه مرگ G9 به آدم‌ربائی، شکنجه و تجاوز و کشتار ادامه می‌دادند. مؤنيس که با پشتیبانی امریکا و تقلب در انتخابات بر سر کار آمده بود، اخیراً با افرادی از طبقه قدرتمند و الیگارشی وابسته هائیتی سرشاخ شده بود. شاید همین مسأله و برخی «نافرمانی»ها از سیاستهای توصیه شده از سوی امریکا سر او را بر باد داده باشد. به علاوه، ضعف او در مهار اعتراضات عمومی، احتمال تقویت و گسترش اندیشه‌های چپ را افزایش می‌داد، در نتیجه تصمیم‌گیران برای حذف او مصمم تر شدند تا رئیس جمهوری قدرتمندتر و گوش به فرمان‌تر بجای او بگذارند. گذشت زمان نشان خواهد داد تا چه حد به اهداف خود دست می‌یابند.

نامه ۶۸ نماینده کنگره امریکا دراپریل ۲۰۲۱، خطاب به بایدن مبنی بر مشروع نبودن رژیم هائیتی و این که مؤنيس قادر به برگزاری انتخاباتی آزاد و منصفانه نیست، نشانه نارضایتی و مخالفت کنگره با حمایت بایدن از مؤنيس بود. پس از این نامه بود که آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه امریکا، اعلام کرد که ایالات متحده دیگر از سیاست مؤنيس در جهت تثبیت و افزایش قدرت خود از طریق برگزاری یک همه‌پرسی قلابی پشتیبانی نخواهد کرد. علی‌رغم این تغییر سیاست اعلام شده، دولت بایدن به حمایت خود از مؤنيس برای باقی ماندن در قدرت و برگزاری انتخابات در سپتامبر

ادامه داد و حتی درخواست تخصیص کمک مالی به پولیس بدنام هائیتی را داد. با این حال مخالفت با سیاست‌های بایدن در کنگره هر روز بیشتر می‌شد.

سِت دُنلی (Seth Donnelly) استاد دانشگاه و نویسنده امریکائی و عضو «کمیته اقدام برای هائیتی» معتقد است «شخصیت‌های مترقی در ایالات متحده بایستی از مبارزات مردم هائیتی حمایت کنند. ما باید از هر فرصتی برای سازماندهی اعتراضات و اعلام همبستگی با مردم هائیتی استفاده کنیم و نمایندگان کنگره را برای انجام امور زیر تحت فشار قرار دهیم:

- کمک‌های امریکا به پولیس هائیتی یکباره و برای همیشه به کلی قطع شود؛
- دولت بایدن حمایت خود از حاکمیت حزب پی‌اچ‌تی‌کی را متوقف کند؛
- امریکا به حمایت خود از برگزاری انتخابات مهندسی‌شده و همه‌پرسی قانون اساسی که توسط حزب پی‌اچ‌تی‌کی سازماندهی شده پایان بدهد؛
- حق مردم هائیتی برای تشکیل دولت دلخواه خود بدون دخالت امریکا به رسمیت شناخته شده و از هرگونه دخالت نظامی در هائیتی خودداری شود.»

*حزب لاوالاس Fanmi Lavalas، که رهبر آن برتران آریستید رئیس‌جمهور اسبق هائیتی است، در سال ۱۹۹۱ بنیان گذاشته شد. این حزب از نفوذ قابل توجهی در صحنه سیاسی هائیتی برخوردار است. شعار این حزب «رشد و برابری» است و در پی ایجاد کشوری همچون سوسیال دموکراسی‌های اسکاندیناوی می‌باشد. دولت‌های این حزب همواره بر روی سرمایه‌گذاری در آموزش و بهداشت تأکید داشته و با سیاست‌های توصیه شده توسط صندوق بین‌المللی پول مخالف بوده‌اند.

**حزب حاکم PHTK که به فرانسوی Parti Haïtien Tèt Kale خوانده می‌شود در سال ۲۰۱۲ و در دوران ریاست جمهوری میشل مارتلی تأسیس شد. این حزب که سعی دارد خود را یک حزب راست میانه معرفی کند، در انتخابات ۲۰۱۶ ژوئنل موئیس را به عنوان کاندیدای خود معرفی کرد. بسیاری از فعالان سیاسی هائیتی به قدرت رسیدن حزب پی‌اچ‌تی‌کی و پیروزی میشل مارتلی در انتخابات سال ۲۰۱۰ و برنده شدن ژوئنل موئیس در انتخابات سال ۲۰۱۶ را نتیجه تقلب سازمان دهی شده می‌دانند و آن را کودتای انتخاباتی می‌نامند. هر دو انتخابات در زمان حضور نیروهای ملل متحد در هائیتی که در عمل تحت فرماندهی امریکا بودند بر گزار شده‌اند. فساد و ناکارآمدی این حزب زبان زد همه است و در بین امریکائیان هائیتی‌تبار به «حزب دزدان» معروف است.

منابع:

An Interview with Jean-Bertrand Aristide

<https://archive.globalpolicy.org/security/issues/haiti/2007/0222aristide.htm>

The Assassination of Jovenel Moise: What Next for Haiti?

<http://www.informationclearinghouse.info/56648.htm>

Fanmi Lavalas Press Release – March 2, 2021

<https://fighting-words.net/2021/04/08/fanmi-lavalas-press-release-march-2-2021>

Haiti's First Lady Speak Out for 1st Time After Magnicide

<https://www.telesurenglish.net/news/Haitis-First-Lady-Speak-Out-for-1st-Time-After-Magnicide-20210710-0001.html>

دانش و امید، شماره ۷، شهریور ۱۴۰۰